

بررسی پل بند دزفول در دوره ساسانیان

علی اصغریبیرگانی ارشد

دانش آموخته تاریخ ایران باستان، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

birganiali29@yahoo.com

محمدتقی فاضلی

استادیار گروه باستان شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

کبری مکوندی

کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی، واحد علوم و تحقیقات اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰)

چکیده

شهر بزرگترین نماد تمدن است که بشر آن را برای امنیت و آسایش خود بنا نموده است. شهر تنها یک سکونت گاه نیست، بلکه یک آبادی است که روح اجتماع در آن دمیده می شود و از آن هویت می گیرد و عنصر آب، هستی بخش و سازنده و روان، عنصر اصلی سازنده نرم فضای طبیعی و تعیین کننده مکان استقرار زیست گاهها است و در فرهنگ مردم دزفول جایگاه ویژه دارد. یکی از آثار ارزشمند دوره ساسانیان در ایران وجود پل های تاریخی است که در گوشه و کنار این سرزمین از جمله خطه خوزستان و شهر دزفول به یادگار مانده است. پل بند دزفول یکی از پل بندهای بسیار مهم و با اهمیت دوران ساسانی به حساب می آید که درک و آگاهی ما را از ناشناخته های معماری ساسانیان به ویژه در ساخت پل سازی بیشتر می کند. مقاله حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی به نقش آب در فرهنگ و قوم شناسی مردم دزفول پرداخت. بر این اساس تحقیق حاضر به این نتیجه دست یافت که آب در نزد مردم دزفول جایگاه ویژه دارد.

واژگان کلیدی: آب، پل بند، ساسانیان، دزفول.

مقدمه

در ایران باستان آب نماد بروری و برکت بوده است و تاکنون در میان اقوام مختلف نیز جایگاه خود را به خوبی حفظ کرده است. احترام به عناصر طبیعت از جمله آب در میان ملت های گوناگون در سراسر جهان دیده می شود و پیشینه ای بسیار کهن دارد. چنان که آب در باور ایرانیان و تمدن های کهن چون مصر، بین النهرین، چین و هند جایگاه ویژه ای داشته و در قالب اساطیر و خدایان ظهور نمودند و از آنجا که انسان از مواهب طبیعی آنها بهره می برد، جنبه تقدس یافتند و ستایش می شدند. بنابراین اسطوره ها و خدایان که مردم به آنها متوسل می شدند هر کدام نماد و نشانه هایی داشتند که بیشتر در ارتباط با عناصر طبیعت به ویژه آب بود. هدف اصلی این مقاله بررسی پل بند دزفول در دوره ساسانیان است.

پیشینه پژوهش

۱. کرامتی (۱۳۸۵) در مقاله پژوهشی خود به "جایگاه آب در شهر ایرانی دیروز و امروز" پرداخت. آب، هستی بخش و سازنده و روان، عنصر اصلی سازنده نرم فضای طبیعی است و تعیین کننده مکان استقرار زیستگاهها. پس از آن، به فراخور رشد و بالندگی مفهوم شهر در هر دوره تاریخی، شکل و اندازه های حضورش تغییر کرده، در نتیجه فضای ادراکی ویژه ای برای انسان تولید شده، که شهر را از آنچه بیشتر بوده، متمایز گردانیده است. با این نگاه، آب را در سه سطح برنامه ریزی برای طراحی شهری باید دید و

سنجید. در سطح کلان، برای مکان یابی شهرها، تعیین رابطه شهر با منطقه و طراحی زیر ساخت های شهری؛ سطح میانی، برای تعیین حدود توسعه، مکان یابی کاربری ها و تبیین رابطه کالبد و فعالیت و در سطح خرد، برای آفرینش صحنه هایی برای حضور شهرنشینان در فضاهای شهر بود، تا زمینه بهتری برای ظهور جامعه شهری فراهم آید. در این مقاله به بررسی جایگاه آب در شهر ایرانی پرداخته شد. (کرامتی، ۱۳۸۵: ۱)

۲. جعفری دهقی (۱۳۹۵) در مقاله پژوهشی خود به بررسی "آب کرداری و جشن آب ها در اساطیر ایران" پرداخت. سرزمین ایران از دیرباز آب و هوا و جغرافیای طبیعی متنوعی را تجربه کرده است. بخش چشمگیری از مرکز فلات ایران را که در میان سه رشته کوه البرز در شمال و زاگرس در غرب و تفتان در شرق واقع شده کویرهای خشک و بی آب فرا گرفته اند. این ناحیه که از بی حاصل ترین و بایرترین کویرهای جهان است، شامل دو بخش، یکی دشت کویر در شمال و دیگری دشت لوت در جنوب است. این پدیده سبب شده تا سرزمین ما همواره مورد تهدید خشکسالی باشد. در چنین شرایطی پیدایی اسطوره های مربوط به باران امری منطقی به نظر می رسد. بدین ترتیب، اسطوره باران سازی حاصل روزگاری کهن است که سرزمین ما دستخوش خشکسالی ها و دشواری های آب و هوایی بوده است. هدف از این مقاله بررسی چند نمونه از این آئینها و جشن ها است که باید در سایه پژوهش های فرهنگی و کاوش های باستان شناسی بازشناسی شوند و جنبه های

ارزشمند و کمیاب ترین عنصر طبیعی است برقرار می شود و در حقیقت آب به معنای استخوان بندی فضاهای معماری به حساب می آید. (صفری و دقیقی، ۱۳۹۵: ۱)

روش تحقیق

این پژوهش در ابتدا مبنی بر مطالعات کتابخانه ای، بررسی تطبیقی پیرامون بررسی پل بند دزفول در دوره ساسانیان می باشد نوع تحقیق توصیفی و روش آن تحلیلی است.

اهمیت تاریخی و فرهنگی آب

در بسیاری از فرهنگ کهن، به عناصر طبیعی اهمیت می دادند، بعضی از آنها را تقدیس می کردند و برای آنها آئین هایی به جا می آوردند. آب از عناصر بسیار مهم طبیعی است که در بسیاری از سرزمین ها، به ویژه سرزمین های گرم و خشک که مردم با کمبود آن مواجه بودند، اهمیت ویژه ای در زندگی مردم داشت و به کیفیت و نحوه استفاده از آن توجه داشتند. (مقدس، ۱۳۶۱: ۱۷۲)

اما بزرگترین مشارکت ساکنان ایران زمین از زمان های بسیار دور اختراع فن احداث قنات یا کاریز بوده است. این اختراع همراه با شبکه آبراهه های خود، همواره از ویژگی های آبیاری در نجد ایران بوده و نقش تعیین کننده ای در زندگی ساکنان فلات ایران داشته است. (امیرخسروی، ۱۳۹۷: ۱۴۴)

پورداود در مورد جایگاه آب در نزد ایرانیان می نویسد: "وقتی که ایرانیان می خواهند از برای آب

ارزشمند آنها مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا بتوان از آن در صیانت و پایش منابع ملی آب استفاده نمود. (جعفری دهقی، ۱۳۹۵: ۱)

۳. صفری و دقیقی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی "جنبه نمادین آب در معماری ایران باستان" پرداختند. هدف اصلی این تحقیق بررسی جنبه نمادین آب در معماری ایران باستان است؛ آب به همراه خاک، باد و آتش به عنوان عناصر چهارگانه ایی که در حقیقت تشکیل دهنده جهان هستی به شمار رفته است، قبل از ظهور اسلام در ایران؛ معماری در کنار آب و در دامان طبیعت بدون مخدوش کردن آن حضور خویش را به شکلی پررنگ نشان داده و نیایشگاه ها، معابد و آتشکده ها در کنار آب و در نهایت احترام به آب شکل گرفته اند؛ گویی آب گذرگاه انسان برای ورود به دنیای دیگر بوده است. آب نقش معنوی خود را بارها و بارها در معماری ایران نمایش داده است و تمام جوهر آب به صورت مجرد و نمایشی در نیایش آب بوده است. این نوشته متکی است بر منابع مکتوب و مطالعات کتابخانه ای و رجوع به منابع فارسی؛ در تبیین موضوع بحث هایی با عناوینی که عنوان می شود در این تحقیق ارائه می گردد: اهمیت تاریخی و فرهنگی آب، ناهید (ایزد آب)، نمونه های باستانی شامل: زیارتگاه پیر سبز، طاق بستان، معبد آناهیتا، منابع طبیعی و آب و اصل معماری، منابع مصنوع آب و فضاهای معماری، جنبه نمادین و مذهبی آب، بناهای آیینی و کارکردی، آیین ها و در پایان مقاله در می یابیم که پیوند معماری و طبیعت به وسیله آب که مقدس؛

نیاز و فدیة بفرستند به کنار دریاچه یا جویبار یا چشمه می روند و در کنار آن خندقی حفر نمودند، قربانی می کنند، به خصوص احتیاط می کنند که آب را به خون نیالایند پس از آن گوشت قربانی را در روی شاخه های مورد می گذارند. مغ ها آن را با چوب های مقدس لمس می کنند و کلام مقدس می سرایند، زیت آمیخته با شیر و عسل بر روی زمین (نه در آب) می ریزند، شاخه های تمر (برسم) در دست گرفته با سرودهای مفصل قربانی را به انجام می رساند. (پورداد، ۱۳۷۷: ۱۶۰)

در میانرودان نیز که آب همواره نقش حیاتی در زندگی آدمی داشته، ایزدان موکل بر آب ها از نیروهای بسیاری برخوردار بوده اند. اثر گذاری مذکور همانند ایزدان آریایی بر اساطیر ایرانی به خوبی آشکار است. آ^۱ از جمله ایزدانی بود. که با آب های شیرین زیرزمین پیوند داشت. او منشأ دانش های جادویی مقدس بود. مرکز پرستش او شهر اریدو بود. افزون بر او، اد^۲ خدای هوا و باران حیات بخش بود که از باروری فصول پشتیبانی می کرد. در حماسه آفرینش نیز اِپسو نماینده آبهای ازلی زیر زمین و تیامت نماد دریا بوده است. (مک کال، ۱۳۷۳: ۷۲)

آناهیتا الهه آب در ایران باستان

اردویسور آناهید^۳ ایزدی است که در اساطیر ایران از او با عناوین پدر و مادر آب ها، و نیز الهه و مظهر آب ها بوده شده و همواره مورد ستایش

ایرانیان بوده است. لقب اردویسور به معنی اردوی نیرومند است و اشاره به آب های نیرومند دارد. او که در فارسی نو ناهید خوانده می شود، ایزدبانویی نیرومند، سپید، زیبا و خوش اندام است. جامه ای گرانبها بر تن، کفش هایی زرین بر پا و کمربندی زرین بر میان دارد. او گوشواره ای زرین در گوش و تاجی گوهرنشان بر سردارد. در میان ستارگان به سر می برد و گردونه او را چهار اسب نر می برند که باد و باران و ابر و تگرگ اند. یشت پنجم و یسنای ۶۵ اوستا به او و آب ها اختصاص دارد. اهورامزدا او را ستوده و بسیاری چون هوشنگ، جم، ضحاک، فریدون، گرشاسب، افراسیاب، کاوس و ... برای او قربانی کرده اند تا به یاری او به نیازهای خویش دست یابند. به نظر می رسد که آئین پرستش ناهید تحت تأثیر ایزد میانرودانی تیشتر باشد. ستایش ناهید و مهر و در دوره دوم شاهنشاهی هخامنشی گسترش بسیار یافت. (بهار، ۱۳۷۶: ۸۱)

آناهیتا در اوستا چنین توصیف شده است: "اهوره مزدا به سپیتمان زرتشت گفت: ای سپیتمان زرتشت! اردویسور آناهیتا را که در همه جا گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است، به خواست من بستای!

اوست که در جهان استومند، برازنده ستایش و سزاوار نیایش است.

اوست اشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشید.

^۲. Ardwisur anahid.

^۱. Ea.

^۲. Adad.

درخواست ایزدبانو از زرتشت مبنی بر چگونگی ستایش او؛ (گویری، ۱۳۹۵: ۴۷)

این توصیف های روشن حکایت از آن دارد که از زمانهای قدیم تندیس های این ایزد بانو در مراسم پرستش او وجود داشته است. بی گمان از زمان اردشیر دوم هخامنشی به بعد این تندیس ها بخشی از آئین پرستش او را تشکیل می داد. شاه مجسمه هایی را از او در شهرهای دور دست بابل، دمشق، همدان، سارد و شوش بر پا کرده بود. آناهیتا ایزد بانوی محبوب مردم در بسیاری از سرزمین ها شد. (هینلز، ۱۳۷۵: ۳۹)

وجه تسمیه دزفول در استان خوزستان

زاگرس جنوبی شامل چهارمحل بختیاری، خوزستان و فارس تا کناره های شمالی خلیج فارس است. با سه رود مهم کرخه، شاتور و دز که از زاگرس میانی سرچشمه می گیرد و وارد دشت خوزستان می شود، شامل منطقه ای که همراه با میانرودان و فلات مرکزی به صورت سه کانون اصلی و مرکز ثقل تحولات فرهنگی پیش از تاریخ آسیای غربی است. پیشینه اقامت در دشت خوزستان (ایلام) و نیمه جنوبی زاگرس (منطقه فارس از تل مایان تا جلگه مرودشت) نیز مشابه زاگرس شمالی و مرکزی به هزاره های دوران کهن سنگی و میان سنگی تا نوسنگی می رسد که اقوام تشکیل دهنده آن از آغاز به مقدار کم و به صورت مجتمع های زیستی پراکنده در کانون های متعدد زندگی می کردند. (عبدلی فرد، ۱۳۹۷: ۲۳۹)

{اوست} اشونی که فزاینده گیتی ات.

اوست که تخمه همه مردان را پاک کند و زاهدان همه زنان را برای زایش، از {آلایش} بپالاید.

اوست که زایمان همه زنان را آسانی بخشد و زنان باردار را به هنگامی بایسته است. شیر {در پستان} آورد.

اوست برومندی که در همه جا بلند آوازه است.

اوست که در بسیار فره مندی، همچن همه آبهای روی زمین است.

اوست زورمندی که از کوه "هکر" به دریای "فراخ کرت" ریزد.

بدان هنگام که اردویسور آناهیتا، آن دارنده هزار دریاچه و هزار رود، هریک به درازای چهل روز راه مردی چابک سوار به سوی دریای فراخ کرت روان شود، سراسر کرانه های آن دریا به جوش در افتد و میانه آن برآید.

از این آبی که از آن من است، به هر یک از هفت کشور، رودی روان شود؛ رودی از آبی که از آن من است و در زمستان و تابستان یکسان روان است." (دوستخواه، ۱۳۷۱: ۲۹۸)

یشت پنجم، تنها مأخذی است که می توان از خلال آن موجودیت اساطیر آناهیتا را بازیافت، یشت مذکور حاوی موضوعات گوناگونی است که آنها را می توان به طور کلی به پنج بخش عمده زیر تقسیم کرد: ۱. توصیف آناهیتا؛ ۲. وصف پرستش آناهیتا از سوی اهورامزدا؛ ۳. شرح پرستش آناهیتا به وسیله زرتشت؛ ۴. توصیف ستایش شاهان و نامداران از ایزد بانوی ایرانی؛ ۵.

دزفول معرب دژپل است. پل دزفول در میانه راه جندی شاپور و شوش قرار داشت و پادشاهان دژی در کنار رودخانه نزدیک به آن ساخته بودند تا آن را از تصرف و تخریب راهزنان حفظ نمایند. پس پل و دژ (قلعه) که اکنون در قسمتی از آن محله قلعه دزفول واقع است از نخستین بناهایی بوده که در آنجا واقع شده است. این پل را پل روناش و دز را قصر الروناش گفته و مردمش را قصری نامیده اند. مقدسی در اواخر قرن چهارم در ذکر شهرهای ولایت جندی شاپور می گوید. ((مقدسی، ۱۳۶۱ : ۱۳۰) یاقوت حموی در معجم البلدان در این زمینه نوشتند: "از لور تا اندامش دو فرسخ و از پل اندامش تا جندی شاپور هم دو فرسنگ. یاقوت حموی این دو را یک شهر شمرده است. (حموی، ۱۳۸۱: ۱۴۰)

در اواخر قاجار محدوده عناصر اصلی شهر همچنان دارای موقعیت مرکزی در شهر بوده و با وجود گسترش شهر و تخریب حصار اطراف شهر به علت توسعه از سوی شرق، سایر عناصر در مجاورت و نزدیکی عناصر قبلی قرار گرفته و با توسعه شهر در تمام جهات داخل و برون حصار، موقعیت مرکزی استخوان بندی شهر حفظ گردید ولی در دوره پهلوی اول و متعاقب آن پهلوی دوم به علت تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهر چهره جامعه ای اداری- صنعتی به خود گرفت. به علت سرعت آهنگ رشد شهر و با هدف ایجاد تغییرات بنیادین، در پی گسترش شهر به خارج از حصار، حصار به طور کامل از بین رفت و خیابان های جدید درون بافت احداث گردید.

بدین ترتیب سیما و هویت بافت قدیم که شهری قرون وسطایی و محصور بود تغییر یافت و شهری که محدوده های رشد فیزیکی آن از میان برداشته شده بود، در جهت دست یافتن به سیما و هویتی نوین گام برداشت. از این دوره آنچه که بیش از هر چیز به یاد مانده، خیابان کشی هایی است که به تقلید از شهرهای اروپایی، بافت شهری بریده شد و ابتدا و انتهای آن به هم وصل گردید. با افزایش اهمیت خیابان در شبکه آمد و شد و به ویژه ضرورت های به کارگیری از وسایل نقلیه موتوری، رابطه عناصر و کاربری های مستقر در ساختار شهر و شبکه راه ها به سه صورت درآمد: ۱. اصلاح، تعریض و تداوم مسیرهای قبلی، ۲. پیش بینی احداث کاربری همراه با احداث خیابان، ۳. احداث شبکه راه و سپس استقرار تدریجی بناها و مراکز تجاری. (یزدان و جلیلی، ۱۳۹۴: ۴)

اگر چه عوامل نظامی و دفاعی مهم ترین نقش را در ایجاد هسته اولیه شهر دزفول داشته اند، اما نحوه شکل گیری، استقرار و گسترش شهر از عوامل طبیعی و محیطی تبعیت داشته است. برای ایجاد یک قلعه نظامی به منظور محافظت از پل قدیمی، بلندترین مکان در کنار رودخانه و نزدیک به پل، به منظور احاطه بر زمین های اطراف و غلبه داشتن بر دشمن در هنگام جنگ، انتخاب شده است. وجود رودخانه و امکان دسترسی آسان و وجود زمین های زراعی با خاک مرغوب برای کشاورزی که امکان رشد شهر و تداوم بقای آن را در زمان های بعدی فراهم می آورده است، از دیگر مسائل موثر در پویایی و استمرار حیات شهر بوده اند.

شیب طبیعی کنار رودخانه و امکان هدایت آب های سطحی در بافت به طرف آن، به عنوان یک کانال طبیعی در نحوه شکل گیری بافت قدیم شهر دزفول نقش مهمی داشته است. همچنین مسأله مهم دیگری که در شکل گیری نوع ساختمان و فضاهای داخلی شهر دزفول و تمایز نحوه ساخت خانه های قدیمی آن با شهرهای دیگر ایران موثر است. جنس زمین می باشد. زمینی که بافت قدیمی شهر دزفول بر پهنه آن استقرار یافته است، دارای بستر سخت کنگلو مرایی می باشد. (امام اهوازی، ۱۳۸۲: ۵۰)

عرب ها کارون را "دجیل اهواز" می شناسند. میرعبدالطیف خان شوشتری در مورد اصطلاح دجیل نوشته است: "آن جا که دو رودخانه کارون و آب دزفول یکی می شوند، آن موضع را "دجیل اهواز" گویند. دجیل بر وزن "زبیر" به معنی آلوده نمودن بدن شتر است به قطران و چون آن را به قیر اندودند این را دجیل گفتند." (شوشتری، ۱۳۶۳: ۶۶)

در لغت نامه دهخدا در ذیل حرف "د" در مورد دجیل آمده "مصغر کلمه عربی به معنای دجله کوچک است، که از این حیث بی ارتباط با پاسی تیگرس" نیست. نام دجله نخستین بار در کتیبه داریوش و به صورت "Tigra" آمده است. در متن عیلامی به صورت "Ti-ig-ra" و در متن بابلی به صورت "di-ig-lat" آورده شده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۷۳)

بند اهواز که بر روی کارون بنا شده بود و نشانه های آن هنوز در حوالی علی بن مهزیار اهوازی و

حداصل پل سفید اهواز و پل کیان پارس به چشم می خورد. طول این سد بند بیش از هزار متر بوده و احتمالاً هشت متر ضخامت (پهنا) و دارای سه دهنه سرریز آب بوده است. دهنه ها در هنگام طغیان رودخانه باز می شدند. این سد در زمان قدیم جهت استفاده کشاورزی و آبیاری، احداث شده بود. ساخت این بنا به پادشاهان ساسانی منسوب است؛ به این منظور ساخته شده که آب کارون ذخیره و سپس مجاری و کانال ها در اراضی اطراف که از دیر زمانی پیش به واسطه کشت نیشکر مشهور بوده است توزیع شود. اهواز در نزدیکی یک سد قدیمی بنا شده است این سد برای بالا آوردن آب کارون و دزفول که در بند خیل متصل می گردند، ساخته شده و یکی از شاهکارهای دوره ساسانیان است و چون به طور منحرف از میان شط عبور می کند. به اندازه یک کیلومتر طول داشت. هرگاه به ملاحظه مجاری وسیع جلوی سد را بگیرند و عرض آنها را متجاوز از یکصد متر است در نظر بگیریم می توانیم به خوبی استنباط کرد که چه رودخانه عظیمی از شط کارون منشعب می شده و چه مقدار مجاری می غلطید. و دشت های پهناوری را مشروب می کرد و چه ثروت فوق العاده در جنوب غربی شوش در زمان ساسانیان به وجود آمده بود. اما افسوس اکنون این مجاری خراب و سد هم کاملاً ویران شده و آن اراضی پهناور لم یزرع و بی حاصل افتاده است. (دلفی موسوی، ۱۳۹۴: ۳۹)

نگاهی به کشاورزی در خوزستان

شیوه اصلی تولید و منبع درآمد و امرار معاش مردم در ایران کشت و کشاورزی بود. محصولات کشاورزی عبارت بودند از غلاتی نظیر جو، ارزن، حبوبات، علوفه، الیاف برای ریسندگی، میوه‌هایی نظیر انگور، انجیر، پسته و بادام، خرما و باغات زردآلو و زیتون. ساسانیان به توسعه کشاورزی بسیار علاقه داشتند. خوزستان و عراق از لحاظ استفاده از زمین کشاورزی دو ایالت مهم محسوب می‌شدند. خوزستان از لحاظ حاصلخیزی خاک و فراوانی آب ثروتمندتر بود و سیستم‌های آبیاری آن‌جا امکان حداکثر استفاده از زمین را فراهم می‌کرد. در اینجا برنج، نیشکر، میوه و محصولات دیگری به عمل می‌آمد و صادر می‌شد. در عین حال منبع درآمد مالیاتی مهمی برای دولت به شمار می‌رفت. بنابراین توسعه آبیاری در ایران می‌تواند درباره نقش دولت در توسعه کشاورزی و تسلط بر آن آگاهی فراوانی در اختیار ما قرار دهد. مدارک به دست آمده از دشت ایلام نشان می‌دهد که کانال‌های آبیاری کوچکتر به کانال بزرگتری منتهی می‌شدند که این کار مستلزم هزینه فراوان و استفاده از نیروی کار زیاد بود. (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

سیل تبعیدیان، گسترش متعاقب کارهای آبیاری در خوزستان و تأسیس شهرهای جدید جنوب غرب ایران را بسیار پیش از آن متحول ساخت که تا آن زمان در تاریخ منطقه رخ داده بود. اردشیر ساسانی چندین شهر از جمله هرمزد، اردشیر و شوشتر را ساخت یا بازسازی کرد. (پاتس، ۱۳۸۵: ۶۳۸)

نگاهی به پل بند دزفول

پل‌ها و آب‌بندها از بناهای غیر مذهبی هستند که در ادوار گذشته در مسیر جاده‌های کاروانی، راه‌ها و روی رودها ایجاد شده‌اند. مهم‌ترین پل‌ها در مسیر جاده‌های کاروانی و جاهایی که طغیان آب رودخانه‌ها غیر قابل کنترل بوده، بنا شده‌اند. از دوران بسیار کهن، هنگامی که بشر توانست آب را مهار کند و مسیر آن را مشخص سازد و از تنه درختان برای عبور و مرور از عرض رودخانه استفاده کند. کار پل‌سازی آغاز شده است. احتمالاً قدیم‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل پل به زمانی باز می‌گردد که بشر توانست با استفاده از تنه درختان و سنگ‌های بزرگ، امکان عبور از نهرها، دره‌ها و مسیل‌ها را فراهم آورد. از این رو ساخت پل و استفاده از آن در مناطق کوهستانی و دارای عوارض طبیعی، بیش از نواحی مسطح و کویری معمول بوده است. اما پل‌های واقعی از وقتی شکل گرفتند که تکیه‌گاه و پایه‌های پل ابتدا آماده می‌شد و سپس یک تخته سنگ یا چند تیر چوبی را بر روی دو پایه می‌نهادند و روی آنها را تخته پوش می‌کردند. (گرابرویل، ۱۳۸۶: ۱۴۹)

مهم‌ترین اثر تاریخی دزفول، پل قدیم دزفول است. این پل قدیمی‌ترین پل جهان است که دو منطقه شرقی و غربی دزفول را به هم وصل می‌سازد، در حقیقت یکی از راه‌های رابط منطقه جندی شاپور و سرزمین بین‌النهرین بوده، که به دستور شاپور اول پس از پیروزی بر والرین و با به کارگیری اسرای رومی ساخته شده است. اولین هدف شاپور اول ساسانی از ساخت پل این بود که

طهماسب برای سرکوب شورشیان به خوزستان و دزفول آمدند، احتمالاً پل دزفول سالم بوده است. از خرابی پل دزفول در کتابهای تاریخی عهد صفوی ذکر نشده است. در دوره حکومت افشاریان نیز که نادرشاه به دزفول وارد شد. پل سالم نبوده است چون لشکریان نادر با کلک از رودخانه عبور کرده و وارد شهر دزفول شده اند. در دوره حکومت زندیان از نوشته های مرحوم مولاشرف الدین علی یزدی بر می آید که در زمان ورود کریم خان زند به دزفول از پل سخن به میان آمده و آن را سالم و در کمال استحکام و استواری دیده و شرح کاملی بر آن نوشته است. در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار و حکمرانی فرزندانش محمدعلی میرزا دولتشاه بر خوزستان، لرستان و کرمانشاه تعمیرات اساسی بر روی پل صورت گرفته است و در همین دوره به دنبال تخریب مجدد به علت سیل بنیان کن سال ۱۲۴۹ ه.ق، این بنا بار دیگر در دوران حکمرانی محمدحسین میرزا حشمت الدوله فرزند شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه قاجار طی سالهای ۱۲۴۵-۱۲۵۰ ه.ق، با صرف ۱۸ هزار تومان تعمیر گردید. این پل تا اوایل جنگ جهانی دوم که انگلیسی ها به خوزستان آمدند. همچنان ویران بوده است و در سال ۱۲۹۶ ه.ش، با تشکیل شرکتی و فروش یک پنجم سهام آن به مردم ۳ چشمه طاق آن را درست کرده که در سال ۱۳۱۵ ه.ش، باز هم آسیب می بیند و در همان سال با آهن و بتن بار دیگر مرمت و در سال ۱۳۱۶ ه.ش، به اتمام می رسد. (لطیف پور، ۱۳۸۸: ۵۹)

لشکریانش به سهولت بتوانند برای لشکرکشی به مناطق مختلف از رودخانه دز عبور نمایند. دوم پایه پل ها را به صورت بند یا سد ساختند تا بتوانند سطح آب رودخانه را بالا برده و نهرهای واقع در سواحل چپ و راست رودخانه را پر آب سازند. بنای پای پل ها از سنگ های بزرگ ماسه ای اطراف شوشتر آورده شده اند و با بست های فلزی به هم متصل شده اند. (صارمی و امینی نژاد، ۱۳۹۴: ۸)

این پل بند در طول زمان بر اثر عوامل مختلف طبیعی و انسانی چندین بار آسیب دیده، مرمت و تعمیر شده است. از جمله سیل بنیان کن رودخانه دز که تا قبل از احداث سد دز در شمال دزفول بارها این پل را تخریب نموده است و این بنا هر بار به دست افراد خیراندیش و سلاطین وقت به علت اهمیت فراوان بازسازی و مرمت شده است. قدیمی ترین مرحله تعمیر پل در قرن چهارم ه.ق، در دوران سلطنت عضدالدوله دیلمی و مرمت دیگر را در دوران پادشاهی سلجوقیان دانسته است. (امام شوشتری، ۱۳۹۲: ۳۲)

در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم ه.ق، نیز در دوران وزارت خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر حکمران مغولی گزارشاتی از خرابی پل دزفول و عدم امکان عبور و مرور و کاروانیان از روی پل به وی (خواجه رشیدالدین) رسید و او طی فرمانی به خواجه سراج الدین دسغولی از وی می خواهد که نسبت به تعمیر پل اقدام کند. در عهد تیموری نیز، تیمور به دزفول رفت و از روی پل گذشت، در دوران صفویان نیز که شاه اسماعیل و شاه

معماری پل بند دزفول

این بنا که به شماره ۸۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است در مرکز شهر دزفول به صورت شرقی-غربی احداث شده است. پایه پل این سازه که بر روی دیواره بند به صورت مستقیم ساخته شده، در سمت شمال دارای پایه های نوک تیز و در سمت جنوب دارای پایه های صاف می باشد. اکنون این بنا دارای ۳ پایه بتونی است که بر روی پایه های اصلی و قدیمی پل در زمان مرمت احداث شده اند. طول پایه های پل از سمت شمال و جنوب پهن تر از عرض پل می باشد. کلیه پایه های پل دارای مقطع مستطیل شکل بوده و قطر پی پایه ها ۱۲ و ۱۳ متر می باشد. از این بنا امروز ۱۷ پایه پل باقی مانده است که در ساحل راست یا غربی ۱۲ عدد پایه و در بستر رودخانه ۲ پایه که پایه های بتونی مرمت شده بر روی آنها احداث شده است. ۲ پایه دیگر این بنا نیز در ساحل شرقی رودخانه قرار دارند که امروزه از بین آنها برای رفت و آمد جاده ساحلی استفاده می شود. احتمالاً تعداد کل پایه های بنا در حدود ۲۲ عدد بوده است. (همان، ۴۹)

مصالح عمده به کار رفته در این پل بند سنگ های ماسه ای مکعب شکل، قلوه سنگ های رودخانه ای و ... در زمان مرمت نیز، بست های آهنی با پوشش از ملات ساروج و سرب می باشد. در زمان مرمت بنا از تیرهای فلزی، ماسه و سیمان هم استفاده شده است. این مصالح بومی منطقه نبوده و احتمالاً از مناطقی مانند شوشتر برای ساخت و ساز به این محل آورده شدند. این بنا به صورت مستقیم

بر دیواره بند احداث شده است، بدین صورت ابتدا بندی به ارتفاع تقریبی ۲/۵-۳ متر بوده که بر عرض رودخانه احداث شده است و سپس سازندگان بنا با دنبال کردن دیواره بند پایه های پل را بر روی آن به صورت مستقیم احداث کرده اند. پایه های بنا در سمت شمال بر خلاف جریان آب نوک تیز می باشند و در سمت جنوب صاف می باشند، در سمت ساحل شرقی سه دهانه بتونی در زمان مرمت بر روی پایه های اصلی و قدیمی بنا احداث شده است. این بنا دارای چشمه طاق های آجری جناغی شکل است. این بنا از دو قسمت بند و پل تشکیل شده است. دارای اهمیت ارتباطی مهم در زمان ساخت خود بوده و به عنوان مسیر اصلی بین جندی شاپور و شهرهای شرقی دیگر ساخته شده در ساحل رودخانه دز یا ساحل غربی آن یعنی ایوان کرخه و ... بوده است. در قسمت مرکزی بند مذکور رودخانه دز جریان دارد و قسمتی از کناره های آن را آب برده است. مصالح اصلی بند ماسه سنگ های بزرگ با طول تقریبی ۲ متر می باشد که این ماسه سنگ ها با بست های فلزی محکم به هم وصل شده اند و برای محافظت آهن در برابر این بست ها را با پوششی از سرب پوشانده اند و هسته اصلی این بند که سرریزهای آب اضافی از بین پایه ها عبور می کند. از قلوه سنگ و ساروج می باشد. احتمالاً برای ساخت پایه های پل این بنا ابتدا دیواره های بیرونی را از قطعات بزرگ ماسه سنگ ساخته اند و سپس داخل آن را از قلوه سنگ، ملات و ساروج پر کرده اند. در هنگام مرمت پایه های پل این بنا از آجر نیز استفاده شد. به طور کلی

امام اهوازی، محمد علی (۱۳۸۲) مقالاتی درباره تاریخ جغرافیایی دزفول، دزفول: انتشارات دارالمومنین، چاپ اول.

امام شوشتری، محمد علی (۱۳۹۲) تاریخ جغرافیای خوزستان، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.

بهار، مهرداد (۱۳۷۶) پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: نشر آگه، چاپ دوم.

پاتس، دانیل تی (۱۳۸۵) باستان شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ اول.

پورداود، ابراهیم (۱۳۷۷) یشت ها، تهران: اساطیر، چاپ اول.

جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۵) آب کرداری و جشن آب ها در اساطیر ایران، فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی، ص ۱.

حموی، یاقوت (۱۳۸۱) معجم البلدان، ترجمه محمود محمدی، تهران: آژند، چاپ دوم.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران: چاپ اول.

دریایی، تورج (۱۳۸۳) شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس، چاپ هفتم.

دلفی موسوی، اکبر (۱۳۹۴) تاریخ کشتیرانی در کارون، اهواز: تراوا، چاپ اول.

دوستخواه، جلیل (۱۳۷۱) اوستا کهن ترین سرودها و متن های ایرانی، تهران: مروارید، چاپ دوم.

شوشتری، میرعبداللطیف خان (۱۳۶۳) تحفه العالم، به اهتمام صمد موحد، تهران: گلشن، چاپ اول.

ارتفاع پایه از سطح دیوار بند تا شروع دهانه طاق در حدود ۵ متر می باشد. عرض پایه ها هم در حدود ۹ متر بوده و عرض پایه های اصلی پل نیز حدود ۷ متر و ضخامت آن ۹ متر است. (عنایتی، ۱۳۹۴: ۸)

نتیجه گیری

آب در ایران باستان یکی از مهم ترین عناصر چهارگانه هستی بخش بود و هر جا چشمه دائمی پرآب و مهمی می دیدند نیایشگاه یا پلی برای گرامیداشت آن بنا می کردند، آب در نزد مردم خوزستان به ویژه دزفول جایگاه خاص خود را داشت. پل بند دزفول یکی از پل بندهای بسیار مهم و با اهمیت دوران ساسانی به حساب می آمد که درک و آگاهی ما را از ناشناخته های معماری ساسانیان به ویژه در ساخت پل سازی بیشتر می کند. این پل با مصالح و عملکردهای یکسان در زمان شاپور اول بر روی رودخانه کارون به سبک و اسلوب پل سازی دوره ساسانی و با مصالح غیر بومی که از شوشتر آوردند ساخته شد و احتمالاً در ساخت آنها اسیران جنگی که به اسارت ایرانیان در آمده بودند در ساختن این پل مشارکت داشتند، این پل یکی از شاهراه های اصلی ایران محسوب می شد و بارها مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت.

منابع

امیرخسروی، بابک (۱۳۹۷) دولت در ایران: نقدی بر نظریه شیوه تولید آسیایی کارل مارکس، تهران: اختران، چاپ اول.

هینلز، جان راسل (۱۳۷۵) شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: اساطیر، چاپ اول.

یزدان، علی پناه؛ جلیلی، تورج (۱۳۹۴) شناخت بافت تاریخی دزفول و کاربرد آنها در توسعه شهر، همایش ملی و شهرسازی بومی ایران، ص ۴.

صارمی، حمیدرضا؛ امینی نژاد، منصوره السادات (۱۳۹۴) طراحی پل " فرهنگ " با تکیه بر ارتباط بین معماری قدیم و معاصر دزفول، پژوهش های نوین در عمران معماری و شهرسازی، ص ۸.

صفری، محمد؛ دقیقی، غزال (۱۳۹۵) بررسی جنبه نمادین آب در معماری ایران باستان، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین، آلمان، ص ۱.

عنایتی، علیرضا (۱۳۹۴) مطالعه تطبیقی پل بند دزفول با پل بند شادروان شوشتر، دومین همایش ملی باستان شناسی ایران، ص ۸.

عبدلی فرد، فریدون (۱۳۹۷) قوم های ایرانی پیش از آریائیان و آریائیان، تهران: هیرمند، چاپ دوم.

کرامتی، غزال (۱۳۸۵) جایگاه آب در شهر ایرانی دیروز و امروز، جلد سوم، مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ص ۱.

گویری، سوزان (۱۳۹۵) آناهیتا در اسطوره های ایرانی، تهران: ققنوس، چاپ پنجم.

گرابر، الگ؛ هیل، درک (۱۳۸۶) معماری و تزئینات سلامی، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.

لطیف پور، احمد (۱۳۸۸) پل باستانی دزفول، دزفول: اقلیم قلم، چاپ اول.

مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱) احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، چاپ اول.

مک کال، هنرتیا (۱۳۷۳) اسطوره های بین النهرینی، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.